روزنامه شهروند

فرهنگی . اجتماعی . سیاسی . اقتصادی

www.shahrvand-newspaper.ir

صاحب امتیاز: جمعیت هلال احمر

مدیر مسئول: عبدالرسول وصال

سردبیر: کسری نوری

نشانی: تهران ، فلکه دوم صادقیه ابتدای بزرگراه محمدعلی جناح کوچه شهید طاهریان، شماره ۲۴

سامانه پیام کوتاه: ۳۰۰۰۰۹۷

کدپستی: ۱۴۸۳۷۷۶۶۱۷

فکس: ۴۴۹۵۶۱۰۰

تلفن: ۷-۴۴۹۵۶۱۰۱

چاپ: روزتاب

توزیع تهران: شرکت پیام‌رسان پیروز شرق

توزیع شهرستان‌ها: توزیع شهروند

تلفن: ۸۸۹۴۲۹۰۰ فکس: ۸۸۹۲۲۹۱۰

اوقات شرعی:

|اذان صبح ۰۴:۳۴:۳۳|طلوع آفتاب ۰۵:۵۷:۴۷|

|اذان ظهر: ۱۱:۵۴:۴۴|غروب آفتاب: ۱۷:۵۱:۴۱|

|اذان مغرب: ۱۸:۰۹:۴۵|

صفحه آخر

این شرح بی‌نهایت...

با فروتنی بسیار است که شرافت به کمال می‌رسد. **امام علی(ع)**

نوشش باد

بی من و غیر اگر باده خورد نوشش باد
یاد مـن گو نکنـد غیر فراموشش باد
یار بی‌غیر که می در قدحش خون گردد
خون من گر همه ریزد به قدح نوشش باد
سرو اگر جلوه کند با تن عریان به چمن
شـرمی از جلوه آن سـرو قبا پوشش باد
دوش می‌گفت که خونت شب دیگر ریزم
امشـب امید که یاد از سخن دوشش باد
ننگ یار اسـت که یـاد آرد از اغیار مدام
نـام این فرقـه بدنـام فراموشـش باد
دل که خو کرده به اندوه فراغت همه عمر
با خیالت همه شب دست در آغوشش باد
هاتـف از جور تو دم می‌نزنـد لیک تو را
شرمی از چشم پر آب و لب خاموشش باد

هاتف اصفهانی

تقویم تاریخ

نبرد دریایی سالامیس

۲۴۹۴ سـال پیش، برابر با بیسـت‌ونهم سـپتامبر ۴۸۰ پیـش از میـلاد، جنگ دریایی سـالامیس میان ارتـش ایران به فرماندهی خشایارشـا و اتحادیه یونانیان روی داد که در انتهابه شکسـت ایران منجر شـد. نیروی زمینی یونـان در برابر ارتش ایران نـوان مقاومت نداشـت و همه امید یونانی‌ها بـه جنگ دریایی بـود. مورخان تعداد کشـتی‌های ایـران را ۴۰۰تا۷۰۰ فروند نوشـته‌اند که این کشتی‌ها متعلق به وابستگان به ایران از جمله فینیقی‌ها و مصری‌ها بود که نسبت به ایران تا پای جان وفاداری نداشتند.

کشف میدان نفتی آزادگان

۱۵ سـال پیـش، برابر بـا هفتم‌مهر ۱۳۷۸ خورشـیدی، بزرگ‌ترین میدان نفتی ایران با ظرفیت ۲۶میلیارد بشکه در حوالی اهواز کشـف شد. میدان نفتی «آزادگان» با ذخیره نفت درجای حداقل ۲۶میلیارد بشکه و میزان قابل برداشت ۶میلیارد بشکه در ۸۰کیلومتری غرب اهواز قرار دارد. این میدان نفتی که میزان هیدروکربور درجای آن بالغ بر ۳۱میلیارد بشـکه اسـت ظرفیت تولیـد حداقل ۳۰۰هزار بشکه در روز را دارد. کشف این میدان بزرگ‌ترین کشف انجام گرفته در ایران در ۳۵سال گذشته به شمار می‌رود.

سالمرگ خبرچین هالیوود

۱۱ سـال پیـش، برابر با بیسـت‌ونهم سـپتامبر ۲۰۰۳میـلادی، الیـا کازان، کارگـردان نام‌آشـنای سـینمای آمریکا در ۹۴سـالگی در خانـه‌اش در نیویورک درگذشـت. کازان زاده اسـتانبول بـود و در ۴سـالگی با خانـواده یونانی‌تبارش به آمریکا مهاجرت کرد. نقطه تاریک زندگی کازان که تا آخر عمـر همـراه او بود لو دادن ۱۷تن از دست‌اندرکاران هالیوود به‌عنوان کمونیسـت بود. الیا کازان در سال ۱۹۳۴ فعالیتی کوتاه در حزب کمونیست آمریکا داشـت و هنرمندان و نمایشنامه‌نویسان کمونیست را می‌شناخت. در بارانداز، شرق بهشـت، شکوه عظفزار، اتوپیسی به نام هوس، زندهباد زاپاتا و... از جمله آثار مشهور کازان در مقام کارگردان هسـتند.

این در شهرونگ

ماجرای کمدی

سوشیانس شجاعی‌فرد
طنزنویس
sushyians.fard@gmail.com

حتمـا در حیـن گشـتزنی در فضـای مجازی، ماجرای عجیـب و باورنکردنی و طنزآلـود را درباره انتسـاب اختراع بسـتنی به یک ایرانی به نام کریم باستلی خوانده‌اید و چه بسا لایک و بازنشر هم کرده باشید! داستانسرا گفته است که در بحبوحه انقلاب مشـروطه، فردی به نام کریم باسـتانی، مخلوطی خوشـمزه از شیره و شـیر و یخ درسـت می‌کرده و آن را می‌فروخته اسـت. کم‌کـم کارش می‌گیرد و بعد از مدتـی یک مغازه روبه‌روی سـفارت انگلیس می‌زند به نام karim bastani و بعد از مدتی دیگر انگلیسی‌ها که عاشق این معجون شیره و شیر و یخ شده بودند با اسـتفاده از نام کریم، اسم آیس کریم را برای این خوردنی اختراع می‌کنند و فس علی هذا!!

گفتیم حالا که آن را خوانده‌اید و کیف هم کرده‌اید و چه بسا لایک و بازنشر هم کرده‌اید، پس حکایت ما را هم بخوانید:

در تاریـخ هرودوت آمده اسـت که بعـد از حمله اسکندر به ایران، افسـردگی ناشی از متلاشی شدن فرهنگ و تمدن دوهزار و پانصد ساله ایران (که البته به پول آن موقع، حدود ادویسـت و پنجاهسال می‌شد) توسط اقوام بی‌فرهنگ یونانی، سراسر ایران را گرفته بود و سـال‌ها بود که ایرانی‌ها نخندیده بودند. گویا آن زمان هنوز ایرانی‌ها خندیدن به بدبختی‌هایشان را اختراع نکرده بودنـد! روزی در خانه یکی از اهالی پارس، آرتمیس‌زن آریو، تصمیم‌می‌گیرد که سفارش ساخت یک کمد بدهد، ولی به دلیل نبودن شوهرش آریو که کارمند واحدی به نام وای‌بر بود و مسئولیت بردن خبرهـای بد به اقصی نقاط کشـور ایـران را داشت، مجبور شد که خودش به نجاری برود. نجاری هوشـنگ درسـت روبه‌روی بیمارسـتان گاتا در شیراز (نمازی فعلی) بود. آرتمیس از هوشـنگ خواست که یک کمدچوبی برایش درست کند. بعد از یک هفته، کمد درست شد و نجار آن را به خانه آرتمیس و آریو آورد. اما یکی، دو روز که گذشـت آرتمیس نزد نجار رفت و شکایت کرد که وقتی اسب‌های سپاه سلوکی از جلوی خانه رد می‌شـوند، کمد می‌لرزد! هوشـنگ به خانه می‌آید و میخ‌های کمد را سـفت می‌کند و می‌رود. بعد از دو روز دوباره آرتمیس نزد هوشـنگ نجار می‌رود و می‌گوید: هوشـنگ خان، آخه برادر من این چه کمدیه سـاختی؟ تا یک ارابه یونانی رد میشه این شروع می‌کنه به لرزیدن، من که گفتم که فرض کن کمد رو برای خوار مادر خودت می‌سازی! هوشـنگ نجار جواب می‌دهد: آخه حاج خانوم، یه چیزی، بگو که بگنجه، چطور میشـه که کمد با رد شدن ارابه بلرزه، من میخ‌هاشو محکم کوبیدم، شما مطمئنی؟! آرتمیس میگه، واهوشنگ خان، دروغ که هنوز اختراع نشده که بگم، شما خودت بیایین کمد می‌لرزه یا نمی‌لرزه! هوشنگ نجار به خانه آرتمیس و آریو می‌رود، مدتی داخل کمد می‌نشـیند، می‌بیند لرزشـی نیسـت، می‌گوید من که لرزشی احساس نکردم، حالا می‌خواید به همسایه‌تون هم بگید بیاد چک کنه. آرتمیـس به آرش خان که با دوسـتش مشـغول گفت‌وگو بود می‌گوید بیایند و لرزیدن یا نلرزیدن کمـد را ببینند، خلاصه هوشـنگ‌خان و آرش خان و آقا کسری داخل کمد می‌روند و منتظر لرزیـدن کمد می‌شـوند کـه ناگهان آریو، شـوهر آرتمیس کـه از ماموریـت وای‌بری برگشـته بود، وارد خانه می‌شـود و می‌گوید درود بر همسر عزیزم، آرتمیس بانو، به به، این کمد رو جدید خریدی؟! چه خوبه، چه خوشـرنگه...(در کمد را بـاز می‌کند) اوه، چقدر هم جادار! آقایون، توی کمد خونه من چیکار می‌کنید؟! هوشـنگ‌خان گفت: اگه بگم منتظر رد شدن ارابه هستیم باور میکنی؟! ناگهان همگی زدند زیر خنده! آریو گفت چـون ما ایرانی‌ها هنوز خیانت رو اختراع نکردیم، آره که باور می‌کنم! کسری گفت یادم باشه توی زندگی بعدیم اینو برای دوستام تعریف کنم! آرش گفت، اصلا آقا آریو توی ماموریت بعدی وای‌برت اینو برای همه تعریف کن، خود ماها بعد از چندسال خندیدیم، شاید همه مردم بخندند! اینگونه شد که با پخش شدن ماجرای کمد، ملت ایران شاد شـدند و از آن پس به بعد به هر داستان خنده‌داری گفتند جریان اون کمدی، چندسال بعد سرداران و مورخان یونانی این ماجرا را به یونان بردند و یونانی‌ها هم بنا به عادتشـان برای آن فلسفه درست کردند و تئوری بافتنـد و درنهایت آن را به‌عنـوان کمدی به جهانیان عرضه کردند!

*** این مطلـب، تمسـخر تاریخ و پیشـینه نیست، طعنه‌ای است به نسل امروز که تاریخ و پیشـینه‌اش رانـه در کتاب‌های مسـتند و معتبر که در روایت‌های گاه سرکاری اینترنتی جست‌وجومی‌کند و به آن تعصب هم می‌ورزد!**

کارتون شهر

هادی حیدری | دبیر گروه کارتون وطنز | instagram: hadi_heidari

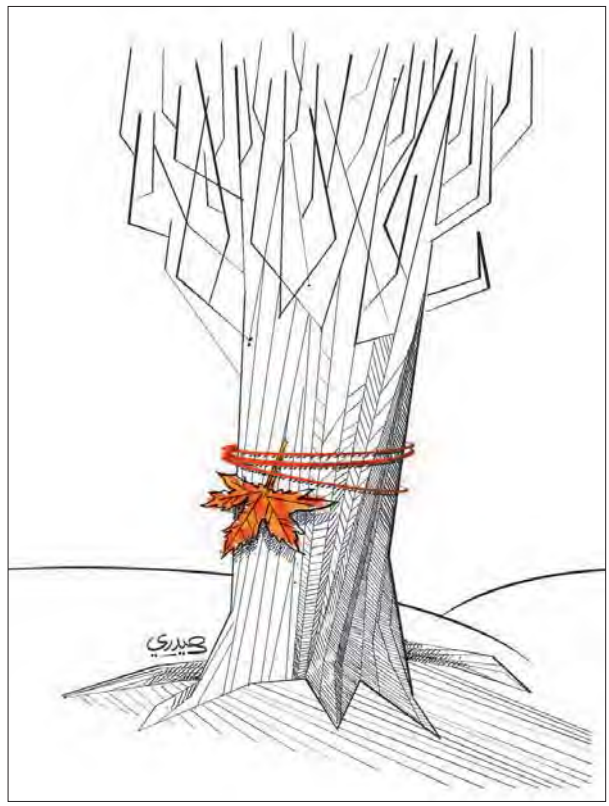

داستانه

خوشبختی و تفاهم

صحنه یک: مرد از راه می‌رسد، ناراحت و عبوس. زن: «چی شـده؟» مرد: «هیچـی.» (و در دل از خدا می‌خواهد که زنش بی‌خیال شـده و بی کار خودش برود). زن حرف مـرد را باور نمی‌کنـد. «یه چیزیت هست، بگو!» مرد برای اینکه اثبات کند راسـت می‌گوید لبخند می‌زند. زن اما «می‌فهمد» مرد دروغ می‌گوید. «اراستشو بگو به چیزیت هسـت.» تلفن زنگ می‌زند. دوسـت زن پشت خط اسـت. از او می‌خواهد آماده شود تا با هم به استخر بروند. از صبح قرار آن را گذاشته‌اند. مرد در دلش خدا خدا می‌کند که زن زودتر برود. زن خطاب به دوسـتش: «متاسفم عزیزم. جدا متاسفم که بدقولی می‌کنم. شـوهرم ناراحته و نمی‌تونم تنهاش بذارم!» مرد داغ‌ش می‌شود. «می‌خواست تنهاباشد.»

صحنه دو: مـرد از راه می‌رسـد. زن ناراحت و عبوس است. مرد: «چی شده؟» زن: «هیچی.» (و در دل از خدا می‌خواهد که شوهرش برای فهمیدن مساله اصرار کند). مرد حرف‌زن را باور می‌کند و بی کارش می‌رود. زن برای اینکه اثبات کند دروغ گفته دو قطره اشک می‌ریزد. مرد اما باز هم «نمی‌فهمد» زن دروغ می‌گوید. تلفن زنگ می‌زند. دوست مرد پشت خط است. از او می‌خواهد آماده شود تا با هم به استخر بروند. از صبح قرار آن را گذاشته‌اند. (زن در دلش خدا خدا می‌کند که مرد نرود). مرد خطاب به دوستش: «الان راه می‌افتم!» زن داغان می‌شود. «نمی‌خواست تنهاباشد.»

نتیجه: واین داستان سال‌های سال ادامه داشت وزن و مرد در کمال خوشبختی و تفاهم در کنار هم روزگار گذراندند!

فوکوس ...

الیا کازان و مارلون براندو، سـر صحنـه «در بارانـداز» (۱۹۵۴). کازان تا زمانی که زنده بود بار شـهامت اهالی سـینما به خاطر ماجرا های سال ۱۹۵۲ و افشـای نام همکاران کمونیسـتش در کمیته فعالیت‌های ضد آمریکایی را بر دوش کشید. برخی او را بخشـیدند و برخی هرگز روی خوش نشان نداد‌ند. در سـال ۱۹۹۹ زمانی که قرار شد اسکار «دسـتاورد عمر» را به او بدهند، با ورود کازان به سـالن افراد کمی به احترامش برخاسـتند. او یک نابشخوده بود - توضیح در ستون تقویم تاریخ.

حرف روز

اقتدار دیپلماسی ایرانی

رضا بردستانی
نویسنده

همه‌چیز در همان «۲۱ دقیقـه» تاریخی رخ داد. از عصر پنجشـنبه، تمامی شـبکه‌های تلویزیونی، سایت‌ها و پایگاه‌های بین‌المللی و همه ایسـتگاه‌های تولید و پخش تحلیل‌ها و تفسیرهای سیاسی بوی دیپلماسـی صلح‌جویانه و آرامش‌طلبانه ایرانیان را به مشام می‌رساند. گویی دیگر همه تارهای تنیده شده برذات وحقیقت ایرانیان مهربان به کناری نهاده شده اسـت. عصر پنجشـنبه دکتر حسن روحانی نه در لباس یک نماینده سیاسـی که در قامت یک «پیرزبدنت» تمام‌عیار با صلابتـی مثال‌زدنی هم از حقوق ایرانیان دفـاع کرد و هم به حقـوق دیگران احترام گذارد. ان را به دیگران آموزاند.

دیوید کامـرون، نخسـت‌وزیر انگلسـتان که سرمست از سیاسـت‌های نخ‌نما شـده خود بود باورش نمی‌شـد چندسـاعت بعد از سـخنرانی کودکانه‌اش در سـازمان ملـل، «پیرزبدنت»ی برآمده از تفکرات فرهنگ و تمدنی هفت‌هزارساله قدم بر عرصه دیپلماسـی گفت‌وگوی بین‌المللی خواهد گـذارد و او را به اصطـلاح ایرانیانی فهیم «سکه یک پول» خواهد کرد و گرنه برای ایرانیان تعیین تکلیف نمی‌کرد. عصر پنجشـنبه دولت روحانی- یعنی آنانی که در سـال اجلاس حضور داشـتند- با آرامشـی مثال‌زدنی نشسـتند و مثل تمامی نمایندگانِ دیگر کشـورها گوش فراداد‌ند و پس از پایان سـخنرانی حسـن روحانی شـأن دیپلماتیک‌های ایرانی را حفظ کردند و اگر تشویق هم کردند مثل بقیه و بـه دور از «اگر خود بی‌خود شـدن»ها بود. کسـی برای دسـت زدن و تأیید گفته‌های رئیس‌جمهوری نظام‌مقدس جمهوری اسـلامی ایران کاری نکـرد که نگاهمـا را خیره و متعجب کند زیرا اینانی که «پیرزبدنت روحانی» را همراهی می‌کردند به دنبال «هماله» و «تشنه‌های فرازمینی» نبودند بلکه چون درس خوانده مکتب دیپلماسی بودند سنجیده و هوشـمند با ملت و نظام جمهوری اسلامی ایران رفتار کردند.

عصر پنجشـنبه دکتر حسـن روحانـی مواضع شـفاف ایران را با صراحتی قابل تحسین و اقتداری قابل سـتایش برشـمرد و آن را برای همه جهانیان به آشـکارا بیـان کرد بی‌آنکه «شـاخ و شـانه»ای بکشـد. حقیقتی را «کتمان» کند یـا مردمانی از دیگر سـرزمین‌ها را «تحقیر» و همـه این اتفاقات شـیرین در مدتی حدود «۲۱ دقیقه» رخ داد «۲۱ دقیقه»ای که همه اشـتباهات «۲۱ قرن» غرب را واکاوی و آسیب‌شناسی کرد. «پیرزبدنت روحانی» به همگان این پیام را رسـاند کـه خاورمیانه جایی است که بخشـی از ساکنینش ایرانیانی هسـتند که خواسـتار «صلح»، «آرامش»، «رفـاه» و «امنیت» هسـتند پس آنانی که با نابخـردی خاورمیانه را به «بهشـت تروریسـت‌ها» بدل کرده‌اند اجازه دهند با برچیده شـدن بساط «تروریسـم بین‌المللی» و هدایت شده، مردمان دیگر نقاط جهان از موهبات، نعمات زیبایی‌ها و دوست‌داشتنی‌های خاورمیانه‌نیز بهره‌مندشوند.

دیپلماسـی ایرانیان حالا تبدیل به یـک «برند» جهانی شده که از آن بوی «صلح و آرامش» می‌آید. بوی نگـرش جهانـی و مهربانانه به همـه ملت‌ها و دولت‌هـا «پیرزبدنـت روحانی» جهـان را با این حقیقت رودررو سـاخت که پروژه‌هـای نابخردانه «ایران هراسی» و «اسـلام‌ستیزی» دیگر پاسخگوی مطمئنـی بـرای اهداف اسـتعماری نیسـت زیرا جهان اکنون بـه مرزهای خودباوری و تشـخیص سره از ناسره رسـیده اسـت و خوب می‌داند وقتی «تروریسم» از نیویورک تا هرات و از دمشق تا شمال اروپا بساط گسترانیده دیگر محکوم کردن یک ملت و یک دولت پذیرفتنی نیسـت. دولت حسن روحانی عصر پنجشـنبه به این حقیقت پای فشرد که ایران اقتدارش رانـه در بمب اتم که در تکیه بر آرمان‌های خود می‌جوید، پس برای رهایـی از مخمصه‌ای که حالا غرب را در خود غرق کرده بهتر آن اسـت تا به روش‌هـای بی‌پایه و اسـاس و بی‌نتیجـه پایان داد و مشـکلات را با گفت‌وگو به سرو سـامان رسـاند. «پیرزبدنت روحانی» یک بار دیگر یادآور شد از سوی ملتی سخن می‌گوید که سال‌ها قبل جهانیان را به «گفت‌وگوی تمدن‌ها» فراخوانده اسـت، ملتی که هیچگاه به هیچ کشوری برای سلب آرامش، استقلال و تمامیت ارضی هجـوم نبرده اسـت، گرچه خود مورد هجوم صدها حمله و دسـیسه بوده است. عصر پنجشـنبه سخنان «پیرزبدنت روحانی» بوی «صلح و آرامش» می‌داد، بوی «عزت و اقتدار ایرانی.»

rezabardestani50@gmail.com

آب و هوا

اراک ۲۹ / ۱۲	اردبیل ۲۳ / ۱۴	ارومیه ۲۷ / ۱۰	اصفهان ۳۳ / ۱۴	اهواز ۳۹ / ۲۳	ایلام ۳۰ / ۱۶	بجنورد ۲۹ / ۱۷	بندرعباس ۳۳ / ۲۹
بوشهر ۳۳ / ۲۹	بیرجند ۳۳ / ۱۵	تبریز ۲۷ / ۱۵	تهران ۳۱ / ۱۷	خرم‌آباد ۳۴ / ۱۳	زاهدان ۳۵ / ۱۶	زنجان ۲۷ / ۱۱	سنندج ۳۲ / ۱۲

... کاهش دما در برخی از مناطق کشور

بررسـی داده‌های ماهواره‌های هواشناسی نشان می‌دهد از بعد از ظهر امروز، با نفوذ جریانات سـرد شمالی به آسـمان اسـتان‌های آذربایجان غربی و شرقی، اردبیل و سـواحل جنوبی دریای خزر شاهد افزایش ابر، بارش باران، گاهی بـا رعد و برق و وزش باد، همراه بـا کاهش ۵ تـا ۷ درجه‌ای دمـا در این مناطق خواهیم بود. بر اساس نقشه‌های پیش‌یابی هواشناسـی، طی امروز و فـردا، در برخی از مناطق استان‌های هرمزگان، جنوب سیستان و بلوچستان و جنوب کرمان و جنوب فارس، در بعد از ظهر تا اوایل شب افزایش ابر، وزش باد، گرمبار پراکنده با رعد و برق قابل پیش‌بینی است. کمینه و بیشینه هوای تهران امروز بین ۱۷ تا ۳۱ درجه بـالای صفر خواهد بود و آسمان تهران نیز کمی ابری گاهی همراه با وزش باد پیش‌بینی می‌شود. در شبانه روز گذشته بین مراکز اسـتان‌ها، اهواز با ۳۹ درجه سانتی گراد و شهرکرد مرکز استان چهارمحال‌وبختیاری در هنگام شب با حدود ۲ درجه سانتی گراد، گرم‌ترین و خنک‌ترین شهرهای کشوربودند.

شهرکرد ۲۱ / ۲	قزوین ۳۱ / ۱۳	کرمانشاه ۳۱ / ۱۴	کرمان ۳۴ / ۱۶	گرگان ۲۷ / ۲۰	رشت ۲۸ / ۱۹	ساری ۲۷ / ۲۰	کرج ۳۰ / ۱۴
شیراز ۳۱ / ۱۶	سمنان ۳۴ / ۲۳	همدان ۲۷ / ۱۰	قم ۳۷ / ۱۷	مشهد ۳۳ / ۱۶	یاسوج ۳۱ / ۱۲	یزد ۳۷ / ۲۱	ابوموسی ۳۵ / ۳۰